



برو کرونا ساکت شد برگرد

گزارش نویسنده

[illegible]

به فاطمه نگاه می‌کنم که چطور توی هفتاد سالگی وبا زانو درد و کمردرد شدید، رویای آینده می‌پروراند و می‌خواهد به حال خودش و جامعه مفید باشد. به او زل می‌زنم که سهمش از همه این دنیای بزرگ ۱۵ میلیون است و برای به دست آوردن دوباراش خیال می‌بافد. همین طوری می‌پرسم دوست داری خانه خودت را داشته باشی؟ می‌گویند من به یک

چند تا پسر دارم بروج زندگی می کنند، گفتند کرونا که ساکت شد بیا. خب حق دارند، بچه دارند می ترسند. بروج که بودم تحت پوشش کمیته امداد بودم اما آن هم قطع شد. الان پنج، شش سال است هیچ خانای ندارم. الانم خانه ای فامیل و اون فامیل بودم. از اول هم پول پیش و پس انداز نداشتم. هرچی این سال ها کار کردم خرج پسر معتامدم کردم؛ شاگرد

راننده است؛ اصلاً نمی‌گوید مادری دارم یا نه؟ سراغ من را نمی‌گیرد.»

سپیده علیزاده، مدیرعامل مؤسسه کاهش آسیب نور سپیده هادیات که مجری کرکاش است، کاهش آسیب بانوان است، می‌گوید: «غالباً این‌طور است که سالمندانی که در خیابان‌رها می‌شوند به‌عنوان افراد بی‌خانمان شناخته می‌شوند و ممکن است مردم با ۱۲۷ یعنی گشت فوریت خدمات اجتماعی شهرداری تهران، تماس بگیرند و آنها هم به‌عنوان افراد بی‌خانمان ساماندهی‌شان می‌کنند. قاعداً کودکان و سالمندان تحت حمایت سازمان بهزیستی هستند و کودکان باید به شیرخوارگاه‌ها و سالمندان به پای سالمندان مراجعه‌ده شوند. اما قصه کرونا این جریان را به هم زده و این زنان معمولاً به گرمخانه‌ها معرفی می‌شوند. بزرگترین گرمخانه شهر تهران هم مرکز ماست که در میدان شوش قرار دارد. بنابراین خیلی از خانم‌ها به کهنسال به ما مراجعه می‌کنند و ما مجبور به پذیرش این افراد هستیم. اما آنها اینجا خدمات مناسب نمی‌توانند و این‌ها فقط نمی‌کنند و مناسب‌شان در این فضا حفظ نمی‌شود. به کرامت‌ها هر حال هر کدام نیازهای ویژه‌ای دارند که

در پیری سر راه گذاشته شده‌اند. تنها خواسته‌شان داشتن سرپناهی آبرومند است. پای حرف‌شان که می‌نشیند یک اتاق برای خود، تنها رؤیایی است که در سرمی‌پروراند.

هر روز گریه کرد و پرسید
 پس پسر من کی می آید
 دنبالم؟ امانه اوونه باقی
 بچه هایش نیامدند که
 نیامدند. زن هر روز سراغ
 آنها را گرفت، چند ماه
 گذشت تا پسرش زنگ
 زد و گفت همین که در
 بلبشوی کرونا خراج زن و
 بچه اش را می دهد، هنر
 کرده و دیگر نمی تواند از
 مادرش هم نگهداری کند.
 زن آنقدر گریه کرده که همه
 مسئولان گرمخانه را هم
 با خودش افسرده کرده
 است

جدول سودوگو

٧			٨					
	٤	٩	٥					
	٨			٧	١	٤	٩	
٤				٩			٨	
٣				٥				٧
	٥			١				٣
	٧	٢	١	٨			٩	
					٥	٢	١	
					٤			٩

۲						۸	
				۹		۷	۳
۳	۴		۶	۱			
۹				۶		۵	
۱							۹
	۳			۵			۴
				۸	۳	۶	۷
۷	۱		۵				
	۲						۵

Q	l	b	s	d	A	m	A	V
Y	d	m	A	b	Q	s	l	A
A	s	A	m	Y	l	Q	b	s
d	A	Y	l	Q	b	A	m	A
b	m	s	Y	A	A	d	Q	l
l	Q	A	d	s	m	A	Y	l
A	b	Q	A	l	s	Y	d	A
m	A	d	b	A	Y	l	s	Q
s	Y	l	Q	m	d	b	A	Y

10

پیشہ کرتے

دول
صادی

۱- لای چشم- زمان آینده- زاویه
۲- گلستان اهل علم- یار «بامیه»
دید چشم- نام دخترانه- مثل- طلا
ساک- توله- پیگیری
راه- حاج وواج- نامی، آشننگی
زن- گنج چاری- منطقه یا بازارچه مانند انگلیسی غیر ایرانی
تیزتر از- سخن صریح- اندرون دهان
پسوند محافظت- پسوند برطرف کننده- همگی-
شن
سفید آذری- ضمیر غایب- بیضا و سراسیمه
یار- «آیسال»- دهان- سخن گفتن
جایگاه- میل به غذا- پرچم
رونده باناز- در لای- پاره و قطعه
پاران کم- نام دیگری برای بانوان- ماشین نویسی-
غخ خروش آب
رایمانی که بین هفته ۳۷ تا بارداري اتفاق می افتد-
ورش جانوران اهلی
مانوس شدن- گاز خردل- گواه

عمودی،
روایای دست‌نیافتنی کیمیاگران- فرزندان فعلی شاه
زینا سرخاقت نقاشی- زرنگ و منقلب- بدله‌گو
نرینه نهان- فاعول- آسمان- وینگر «مس»
سجنان»- دختر
کلار- پشت‌سر- مأمور احصائیه
جهش به جلو- گوشه‌گیری- شخصیت کارتونی
تا وقتی که- چاره- غیر قابل رویت
مجلس شیوخ- سرویس خودرو- از تعجب
می‌آورند
انتها- نام‌پیرا بر اکرم (ص)- عزیمت کردن- مروراید
نشانه فعل استمراری- گوه‌ری همتا- نژاد آسیایی
آن مجلس میممانی را زینت بدهد- شله- سکنی
پیدن
بانی مذهب پروتستان- طبیعی- زدن روی موتور
شین!
تایر خودرو- واحد شمردن شتر- پریدن از جایی به
جایی
گرددهان از جانب بیرون- نهیب- زمان‌های کوتاه-
جذب‌زن
همچنین- حبابز- سراسر
شور و غوغا- ترساندن

آثر دیدنی هر مزگان - سبزی خوردنی
کله - گوی‌ها - آتشگیر - مضمون
نغمه - امریه‌زدن - تپه‌ماسه‌ای
بن، کوپن - شعر ژاپنی - گلزن کامرونی
کم و کاست - تیم فوتبال فرانسوی - برابر ده متر
مخترع (ال‌سی‌دی) - وروغیر مجاز ایه‌ای - بوسيله
جشن باستانى ايران - بیش‌درآمد اطوار - رنگ - جغد

▼عمودی:

- ۱- مشت مال- تله فیلم «علی عطشانی»
- ۲- قدرت الهی- روز تعطیل- پرش عصبی
- ۳- جاده خون- از وطن دور افتاده- یک دور ه ۳۶۵-روزه- بینوا

- ۴- فقر جهنم - تیم مسجد سلیمان - لباس پاییزی
- ۵- پایان محدوده چیزی - انحراف به راست - همگی
- ۶- و احادیثی - از ضمایر شخصی پیوسته - گرفتن
- ۷- دختر کار - روزه - اهنماهی - علامت
- ۸- بعد از یک - ماریک - بر خودروی نیشان - انواع از
- ۹- تارنماها - گذشتن
- ۱۰- سرت - فیملی بازی «هنگامه قاضانی» - تسهیلات
- ۱۱- ظاهر شایر کردن - پرچانگی - شهری در استان
- ۱۲- کهگیلویه و بویراحمد
- ۱۳- حاجت - شهری در استان کرمان - سینی مسی
- ۱۴- هراس انگیز - شعور - سرنبدی
- ۱۵- حرف نداری - حیران - علیل - خودروی چینی
- ۱۶- خاکن آبرای پیران آینه است - لب نام قابل حمل - وسط
- ۱۷- از نری در عکاسی که توسط دو دانش آموز اثرش
- ۱۸- بدیع است - نوعی پلیت

[illegible][illegible]

۱۱	د	ر	ا	و	ت	ی	س	م	ا	ی	ز	و	ز
----	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---